

به نیوی ئافرینه ری مروقی ئازاد

ئیره کوردستانه،

رۆله کانی له سیاچاله کانی ئیتیلاعات و له ژیر ئه شکه نجه ی نامرۆقانه ی
جه لاداندا گیان به خت ئه که ن وئافرینه رانی داهاتوی له به ر ده م سیداره دا
خه ریکی ژماردنی چرکه کوشه نده کانی نئیزیک بوونه وه ی کیشانی ته نافی
دارن. دایک و باوکانی شه و هه تا به یان بیدار و له فکری خو له که کانی پیش
خۆرهبه لاتن و خه یالی شور بوونه وه ی جه سته ی نازداری رۆله کانیان، بۆغز له
گه روو، فرمیسک له چاو، رق له دل، ئیش له گیان و هاوار له بی ده نگیان ده ئه
فرینی....

له کوردستان باس ئه که م،

ئه و جیگایه ی خۆرهبه لاتنی به بۆنی خوین ده س پی ئه کا و خۆرئاواشی به
ده نگی چه که ی چه کداره کان کۆتایی دیت و به رپرسیانی په په ر بوونه
وه ی گوله کانی له شه وی ماته م و ترسا چاو لی ئه که ن....

رۆژانی رابوردوو گوئیستی وت و وئیزی پالیوراوانی خولی ده یه می هه لئزاردنه
کانی سه رۆک کۆماری ئیران بووین. گۆداری ته وه ره کانی دۆرانی سیاسه تی
ده ره وه و گه نده لی ئابووری و قاودان و بووین

به لام هیچ ئاماژه یه ک نه کرا به مافه پیشیل کراوه کانی چالاکفانانی
ناسنامه خواز و ماف خوازی کورد که وا له زیندانه کانی کوردستان و ئیران یان
چاره نووسیان نادیاره یانیش له سه رو به ندی له سیداره دان، جه وانی و به
نرخ ترین ساله کانی ته مه نیان ئه بیته قوریانی فکری پاشغه رو و کۆنه قینی ده
وله ت له گه لی کورد!

دیمان قۆلبه سته به رفرراوانی جه وانانی کورد و سه پاندنی ئه حکامی
خۆسه رانه ی زیندان و ته بعید و سیداره به سه ریاندا بو هیچکام له پالیوراوان ئه
وه نده گرینگ نه بوو که ته نانه ت به چه ند وشه ئاماژه ی پی بکه ن!! ئه مه به
چه ماناییکه؟

ئایا پریاره 4 سالی دیکه مافه کانمان پیشیل بکرت؟ ئایا ئه م دۆخه ی ئیستا
که ته نیا چه ن ده ره جه یه ک فه رقی له گه ل ترس و گوشاری مانگی
رابوردوودا هه یه ده سکرده؟ و دوا ی هه لئزاردن لیمانی ده ستینه وه؟

به پڙزانی پالیوراوا!

ئه م جاره یان گه لی کورد زور به هوشیاریه وه شوونی جه ره یانی هه لېژاردنه کان ئه گرېت و بو گه یشتن به داخوازه کانی به وردی وته و کرده وه کانتان تاوتوی ده کا.

ئایا په یوه ندی خو سووسی و کونه قینه کانی ئیوه گرینگ تره له قولبه سستی به رفاوانی کوردان و سه پاندنی ئه حکامی قیناوی به سه ریاندا و کوشتنی ده یان چالاکفانی سیاسی کورد ، که وا هه موو کانتان ته رخانی ده رخستنی گه نده لی په کتر ده که ن؟

به ر له هه رچتی ئامانجتان له خو پالواتن روون بکه نه وه. هاتوونه ته مه یدان ئه و مه مله که ته وه رشکسته ی ئابووری و سیاسی و کومه لایه تیه زیندوو بکه نه وه و پیش به هه لوه شاننه وه ی کومه لگا بگرن یان ده س به سه ر ده سه لاتدا بگرن و ره قیبه کانتان بتلیقینه وه؟

ئیمه به شیوه ی فه رمی داخوازه کانمان راگه یاند

پاش سه رکه وتنتان له هه لېژاردنه کان ، کرده وه مان لیتان ئه وی

و ده بی ولامده رمان بن

یه کیه تی بنه ماله ی زیندانیانی کورد

دووشه مه 8/6/2009

www.AvaeAzadi.blogaf.com

له خواره وه ده قی لیدوانه که بخوینه وه:

به نام خالق که انسان را آزاد سرشت

ای ستاره ها که از جهان دور،
چشمتان به چشم بی فروغ ماست!
نامی از زمین و از بشر شنیده اید؟
در میان آبی زلال آسمان
موج دود و خون و آتشی ندیده اید؟
ای ستاره ما سلامان بهانه است
عشقمان دروغ جاودانه است
در زمین زبان حق بریده اند
حق زبان تازیانه است.
ای ستاره باورت نمی شود:
در میان باغ بی ترانه ی زمین
ساقه ی سبز آتشی شکسته است.
لاله های سرخ دوستی فسرده است
غنچه های نورس امید،
لب به خنده وا نکرده مرده است.
پرچم بلند سرو راستی
سر به خاک غم سپرده است!
سرخ ی و کبودی افق،
دود و آتش به آسمان رسیده است

قلب مردم به خاک و خون تپیده است.
ای ستاره،

ای ستاره ی غریب!

از بشر مگوی و از زمین میپرس
زیر نعره ی گلوله های آتشین،
از صفای گونه های آتشین میپرس.
زیر سیلی شکنجه های دردناک،
از زوال چهره های نازنین میپرس.
در جهنمی که از جهان جداست،
در جهنمی که پیش دیده ی خداست!
از لهیب کوره ها و کوه نعش ها
از غریو زنده ها میان شعله ها
بیش از این میپرس!
بیش از این میپرس.

ای ستاره،

ای ستاره ی غریب!

ما اگر ز خاطر خدا نرفته ایم؟
پس چرا به داد ما نمی رسد؟
ما صدای گریه مان به آسمان رسید
از خدا چرا صدا نمی رسد؟

زنده یاد فریدون مشیری

اینجا کردستان است،

فرزندانش در سیاه چاله های اطلاعات و زیر شکنجه های جان گداز جلادان
جان میدهند و آینده سازانش بر سر جوخه های اعدام ثانیه های جان گاه را در
پی بالا رفتن طناب دار شمارش میکنند.

مادران و پدرانش شام را تا به سحرگاه بیدار و در فکر دقایقی پیش از طلوع
آفتاب و تصور آویخته شدن پیکر نازنین فرزندانشان بر طناب دار ، بغض در
گلو ، اشک در چشم ، خشم در دل ، درد در جان و فریاد در سکوت هاشان
دارند....

از کردستان سخن میگویم ،

آنجا که سحرگاهانش با بوی خون آغاز و شبانگاهانش با صدای چکمه های
نظامیان پایان می یابد و مسئولینش پرپر شدن گلها را در تاریک شبهای رنج و
وحشت به تماشا نشسته اند....

طی شب هایی که گذشت شاهد مناظره ی کاندیداهای انتخابات دور دهم
ریاست جمهوری بودیم.

چه بسیار سخن ها شنیدیم از شکست سیاست خارجه و فساد مالی و افشاگری و
....

اما دریغ از اشاره ای به حقوق پایمال شده ی فعالینی که به جرم هویت خواهی
و حق طلبی در زندان های کردستان و ایران بلاتکلیف و یا در انتظار اجرای
حکم اعدام ، جوانی و با ارزش ترین دوران عمرشان قربانی افکار متحجر و
کهنه کینه ی دولت از ملت کرد میشود!

دیدیم که بازداشت گسترده ی کردستانیان و صدور احکام خودسرانه ی زندان
و تبعید و اعدام برای جوانان کرد از نظر هیچ یک از کاندیداها شایان اشاره ای
چند کلمه ای هم نبود!! این به چه معناست؟

آیا قرار بر این است 4 سال دیگر حقوقمان پایمال شود؟!!

آیا این فضایی که چند درجه ای با اختناق ماه پیش متفاوت است ، ساختگی
است؟ و پس از انتخابات با ادامه ی سرکوب ها از ما پس گرفته خواهد شد؟!!

آقایان کاندیدا!!

ملت کرد با هشیاری بیش از پیش جریان انتخابات را دنبال میکند و با نکته
سنجی خاصی در پی دست یابی به مطالباتش ، اظهارات و اعمال شما را مورد
بررسی قرار میدهد.

آیا روابط و کینه های شخصی شما با اهمیت تر از بازداشت گسترده ی
کردستانیان و صدور احکام غرض آمیز و کشتار فعالین سیاسی کرد است، که
تمام وقت به برملا کردن فساد یکدیگر میپردازید؟

پیش از هر چیز تکلیف خود را روشن کنید که هدف از کاندید شدنتان چیست؟
احیای مملکت ورشکسته ی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و جلوگیری از
فروپاشی جامعه و یا مصادره ی قدرت و له کردن رقبا؟

ما مطالباتمان را رسماً اعلام کردیم

بعد از پیروزیتان در انتخابات، از شما عمل خواهیم خواست

و شما موظف به پاسخگویی خواهید بود.

اتحادیه خانواده زندانیان کرد

یکشنبه، 07/06/2009

www.AvaeAzadi.blogfa.com